

شیوه‌های مدیریتی حضرت یوسف (ع) در قرآن کریم

عبدالحکیم وحیدی^۱

دریافت: ۱۴۰۳-۷-۲

پذیرش: ۱۴۰۳-۸-۷

۱۶۱ |

چکیده

شیوه‌های مدیریتی حضرت یوسف (ع) برای مقابله با بحران خشک‌سالی و قحطی در نوع خود منحصر به فرد و بی نظیر بوده است. در این پژوهش به دو بُعد از ابعاد مدیریتی حضرت یوسف (ع) پرداخته شده است که بُعد فرهنگی-تربیتی و بُعد اقتصادی آن باشد در بُعد فرهنگی-تربیتی به مسائلی همچون: خدامحوری و بینش توحیدی، سعه صدر اخلاق‌مداری، مسئله گذشت در عین توانایی بر انتقام و... در بُعد اقتصادی به مسائل چون: شیوه‌های برنامه‌ریزی حضرت یوسف (ع)، شیوه‌های نظارت حضرت یوسف (ع) و... پرداخته شده است که آن حضرت شیوه‌های منحصر به فردی را اعمال نموده و توانسته است از بحران قحطی مصر در سال‌های خشک‌سالی پیش-گیری نماید و تحولاتی عظیمی در حوزه جهان‌داری و مدیریت پدید آورد. تحولاتی که از ارزش‌های الهی و توحیدی سرچشمه گرفته بود. آشنایی و بهره‌گیری از شیوه‌های رهبری و مدیریتی پیامبران الهی و رهبران راستین، مدیران امروزی ما را به مدیریت کارا و اثربخش تر رهنمون می‌سازد و این اهمیت و ضرورت بحث را می‌رساند. چگونگی و بهره‌گیری از شیوه‌های مدیریت و کنترل بحران حضرت یوسف (ع) مسئله است که این پژوهش به دنبال آن است. هدف این پژوهش تبیین شیوه مدیریتی حضرت یوسف علیه‌السلام در قرآن کریم است. در این پژوهش با بهره‌گیری از روش

تحقیق داده بنیاد، داده‌ها از سوره مبارکه یوسف(ع) جمع‌آوری و در جدولی نمایش داده‌شده است سپس کدگذاری و در پایان در نموداری ارائه الگو گردیده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که قرآن کریم شیوه‌های مدیریتی رهبران راستین را بیان نموده که اگر مدیران جامعه از آن الگوبرداری کنند به مدیریت درست و کارآمدی دست می‌یابند.

واژگان کلیدی: شیوه، مدیریت، الگوی مدیریتی، یوسف، برنامه‌ریزی.

مقدمه

یکی از مسائلی که باید به آن توجه جدی شود مسئله الگوگیری از رهبران راستین و انبیاء الهی است. الگوگیری از شیوه‌های رفتاری و سیره عملی آنان در ابعاد گوناگون زندگی می‌تواند برای بهتر زندگی کردن و مقابله با تهدیدات و چالش‌های موجود، چراغ راه باشد.

در این پژوهش تلاش شده است که به گوشه‌هایی از مدیریت حضرت یوسف(ع) برای مقابله با خشک‌سالی و قحطی پرداخته شود. از جمله به برنامه‌ریزی‌های مالی واداری، مدیریت درست بحران و مدل‌های کنترل و نظارت حضرت یوسف(ع)، اشاره شده است که بهره‌گیری از این شیوه‌ها که با اصل خدامحوری و توحیدمداری سازگار و هماهنگ است چراغ راه مدیران و سیاستمداران امروزی جامعه خواهد بود.

بیان مسئله

چگونگی و بهره‌گیری از شیوه‌های مدیریت و کنترل بحران حضرت یوسف(ع) مسئله‌ی این پژوهش است. با تحقیق در سوره مبارکه حضرت یوسف(ع) به این نتیجه رسیدیم که مدیریت آن حضرت دارای ابعاد گوناگونی است که می‌تواند برای ما به‌عنوان الگو و چراغ راه باشد.

پرسش‌های تحقیق

پرسش اصلی:

شیوه مدیریتی حضرت یوسف علیه‌السلام در قرآن کریم چیست؟

پرسش فرعی:

مدیریت فرهنگی - تربیتی یوسف علیه السلام در قرآن کریم چیست؟
مدیریت اقتصادی یوسف علیه السلام در قرآن کریم چیست؟

اهمیت و ضرورت

اهمیت و ضرورت تحقیق روشن و آشکار است چراکه پیامبران الهی و رهبران راستین به عنوان الگو برای ما معرفی گردیده‌اند، آشنایی و بهره‌گیری از شیوه‌های رهبری و مدیریتی آنان مدیران امروزی ما را به مدیریت کارا و اثربخش تر رهنمون می‌سازد و این چیزی است که به آن نیاز شدید داریم.

اهداف

هدف اصلی: تبیین شیوه مدیریتی حضرت یوسف علیه السلام در قرآن کریم

اهداف فرعی:

تبیین مدیریت فرهنگی - تربیتی یوسف علیه السلام در قرآن کریم

تبیین مدیریت اقتصادی یوسف علیه السلام در قرآن کریم

روش پژوهش

روش پژوهش حاضر، روش گراند تئوری (داده بنیاد) هست. این روش طی فرایند زیر انجام می‌پذیرد:

تعیین موضوع: در این مرحله پژوهشگر موضوع پژوهش خود را انتخاب می‌کند. گردآوری داده‌ها: در این مرحله، داده‌های موردنظر بر اساس روش تفسیر موضوعی از جامعه آماری، فیش برداری و جمع‌آوری می‌گردد.

کد گذاری باز: داده‌های گردآوری شده، برچسب مفهومی می‌خورند.
کد گذاری محوری: مفاهیم استخراج شده، بر اساس محورهای خاص دسته‌بندی می‌شوند.

کد گذاری انتخابی: محورهای مرحله قبل، به ابعاد بزرگ تر تبدیل می‌گردند.
ارائه مدل: درنهایت نمای شما تیک از مجموع طبقه‌بندی داده‌ها استخراج می‌گردد.

جامعه آماری

سوره یوسف قرآن کریم

تعیین موضوع

موضوع یا عنوان تحقیق حاضر عبارت است از شیوه‌های مدیریتی حضرت یوسف علیه‌السلام در قران کریم.

گردآوری داده‌ها

داده‌های این پژوهش بر اساس روش تفسیر موضوعی پیرامون موضوع فوق گردآوری شده است و پس‌از آن به ترتیب کد گذاری باز، کد گذاری محوری و کد گذاری انتخابی به صورت ذیل انجام شده است.

داده‌ها

«یا صاحبی السجن أ أرباب متفرقون خیرأم الله الواحد القهار» (یوسف/۳۹).
 «قَالَ تَزْرَعُونَ سَبْعَ سِنِينَ دَابًّا فَمَا حَصَدْتُمْ فَذَرُوهُ فِي سُنْبُلِهِ إِلَّا قَلِيلًا مِّمَّا تَأْكُلُونَ ثُمَّ يَأْتِي مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ سَبْعٌ شِدَادٌ يَأْكُلْنَ مَا قَدَّمْتُمْ لَهُنَّ إِلَّا قَلِيلًا مِّمَّا تَحْصِدُونَ ثُمَّ يَأْتِي مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ عَامٌ فِيهِ يُغَاثُ النَّاسُ وَفِيهِ يَعَصِرُونَ» (یوسف/۴۹-۴۷). « قَالَ لَاتَثْرِيبَ عَلَيْكُمُ الْيَوْمَ يَغْفِرُ اللَّهُ لَكُمْ وَ هُوَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ » (یوسف/۹۲) « قَالَوا إِن يَسْرِقْ فَقَدْ سَرَقَ أَخٌ لَهُ مِنْ قَبْلُ فَأَسْرَهَا يَوْسُفُ فِي نَفْسِهِ وَ لَمْ يُبْدهَا لَهُمْ قَالَ أَنْتُمْ شَرْمَكَانَا وَ اللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا تَصِفُونَ (یوسف/۷۷) « قَالَ رَبِّ السِّجْنُ أَحَبُّ إِلَيَّ مِمَّا يَدْعُونَنِي إِلَيْهِ » إِنَّا نَرَاكَ مِنَ الْمُحْسِنِينَ » (یوسف/۳۶ و ۷۸) «قَالُوا أَضْغَاثُ أَحْلَامٍ وَ مَا نَحْنُ بِتَأْوِيلِ الْأَحْلَامِ بِعِلْمِينَ » (یوسف/۴۴). « قَالَ اجْعَلْنِي عَلَى خَزَائِنِ الْأَرْضِ إِنِّي حَفِيظٌ عَلِيمٌ » (یوسف/۵۵) « وَ مَا أْبْرئُ نَفْسِي إِنْ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ الْأَمَّارِحِمَ رَبِّي إِنْ رَبِّي غَفُورٌ رَحِيمٌ » (یوسف/۵۳). «قَالُوا تَاللَّهِ لَقَدْ عَلِمْتُمْ مَا جِئْنَا لِنَفْسِدَ فِي الْأَرْضِ وَ مَا كُنَّا سَارِقِينَ » (یوسف/۷۳).

کدگذاری باز

بینش توحیدی، راهنمایی، سعه‌صدر، حسن خلق، گذشت، تصمیم‌گیری در شرایط عدم اطمینان، برنامه‌ریزی تولیدی، کارایی، هدف‌گذاری، گزینش بهترین راه‌کار، آینده‌نگری، انتخاب کارگزاران شایسته، نظارت مستقیم، نظارت غیرمستقیم.

کدگذاری محوری

خدمات محوری، هدایت و رهبری، برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی، نظارت و کنترل.

کدگذاری انتخابی

مدیریت فرهنگی - تربیتی، مدیریت اقتصادی.

ابعاد مدیریت یوسف

مدیریت فرهنگی - تربیتی یوسف علیه السلام

۱.۱. خدامحوری (بینش توحیدی)

قران کریم همه برکات وجودی حضرت یوسف (ع) را بر اثر خدامحوری و بینش توحیدی آن می‌داند، زیرا معرفت توحیدی مبدأ اصلی همه کمالات و معارف است. آن حضرت در همه حالات، حتی وقتی به زندان می‌افتد، با زندانیان و در پاسخ سؤال‌هایشان سخن از توحید به میان می‌آورد چانه قران می‌فرماید: «یا صاحبی السجن أأرباب متفرقون خیراًم اللّٰه الواحد القهار» ای دوستان همراهان زندانی من! آیا خدایان پراکنده بهترند یا خداوند یکتای پیروز (یوسف/۳۹).

آیت‌الله جوادی املی ذیل این آیه شریفه چنین می‌فرماید: اصولاً انسانی که راه توحید را طی نکرده و در همان نشئه طبیعت مانده است، گرفتار کثرت بوده، سنگینی‌اش به عالم طبیعت است. هرچه انسان به عالم طبیعت نزدیک‌تر باشد، شناخت او شناخت حسی خواهد بود و حداکثر ترقی علمی وی آن است که از مرحله حس به مرحله خیال و وهم برسد و گرنه در مرحله عقل راهی برای انسان طبیعت‌گرا نیست. (جوادی املی، تفسیر موضوعی، ج ۷: ۱۹).

حضرت یوسف (ع) از شرایط به وجود آمده بهترین استفاده را نمود و هردو رفیق زندانی خود را به توحید و خدامحوری تبلیغ نمود و بیان داشت که آیا خدای واحد بهتر است یا خدای متفرق ساختگی که کاری از آن بر نمی‌آید؟ معلوم است که تنها خدای قادر و توانای علی الاطلاق کارساز است.

آیت‌الله مکارم شیرازی ذیل آیه شریفه چنین می‌نویسد: هنگام که یوسف (ع) با ذکر بحث گذشته، دل‌های آن دو زندانی را آماده پذیرش حقیقت توحید کرد و به‌سوی آن رهنمون ساخت و چنین گفت: (ای هم زندان‌های من! آیا خدایان پراکنده و معبودهای متفرق بهترند یا خداوند یگانه و یکتای قهار و مسلط بر هر چیز) گویی یوسف می‌خواهد به آن‌ها حالی کند: چرا شما آزادی را در خواب می‌بینید؟ آیا جز این است که این پراکندگی و تفرقه و نفاق شما، که از شرک و

بت پرستی و ارباب متفرق سرچشمه می‌گیرد، سبب شده که طاغوت‌های ستمگر بر شما غلبه کنند؟ چرا شما زیر پرچم توحید جمع نمی‌شوید و به دامن پرستش «الله واحد قهار» دست نمی‌زنید؟ تا بتوانید این خودکامگان ستمگر که شمارا بی‌گناه و به مجرد اتهام به زندان می‌افکنند از جامعه خود برانید؟ (تفسیر نمونه، ج ۹: ۴۸۴)

۱۲. هدایت و رهبری:

الف. راهنمایی:

یکی از ویژگی‌های رهبر و مدیر خوب این است که در تصمیم‌گیری‌هایشان دلسوز و به فکر زیردستان خود باشد، به‌ویژه در مواقع حساس و سرنوشت‌ساز. زمان که فرستاده پادشاه مصر به زندان آمد و در مورد خواب پادشاه از حضرت یوسف(ع) درخواست تعبیر و تفسیر نمود حضرت یوسف(ع) بدون گذاشتن قید و شرطی خواب پادشاه مصر را تعبیر کرد، تعبیر گویا و خالی از هرگونه پرده‌پوشی و توأم با راهنمایی و برنامه‌ریزی دلسوزانه و خیرخواهانه برای آینده سخت و مشکلی که مردم مصر در پیش رو داشتند، یوسف(ع) در چنین شرایط بحرانی و حساس یک تصمیم دلسوزانه و قابل‌اجرا را گرفته به راهنمایی مردم پرداخت و چنین فرمود: (هفت سال پی‌درپی باید با جدیت زراعت کنید چراکه در این هفت سال بارندگی فراوان است، ولی آنچه را درو می‌کنید به‌صورت همان خوشه در انبارها ذخیره کنید جز به مقدار کم و جیره‌بندی که برای خوردن نیاز دارید، اما بدانید که بعد از این هفت سال، هفت سال خشک، کم باران و سخت در پیش دارید که تنها از آنچه در سال‌های قبل ذخیره کرده‌اید استفاده کنید، وگرنه هلاک خواهید شد، در عین حال مواظب باشید در این هفت سال قحطی نباید تمام موجودی انبارها را صرف تغذیه کنید بلکه آینده‌نگر باشید و مقداری را برای بذر زراعت سال بعد که سال خوبی خواهد بود نگهداری نمایید. چنانچه قرآن کریم می‌فرماید:

«قَالَ تَزْرَعُونَ سَبْعَ سِنِينَ دَابًّا فَمَا حَصَدْتُمْ فَذَرُوهُ فِي سُنْبُلِهِ إِلَّا قَلِيلًا مِّمَّا تَأْكُلُونَ ثُمَّ يَأْتِي مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ سَعٌ شَدِيدٌ يَأْكُلْنَ مَا قَدَّمْتُمْ لَهُنَّ إِلَّا قَلِيلًا مِّمَّا تُحْصِدُونَ ثُمَّ يَأْتِي مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ عَامٌ فِيهِ يُغَاثُ النَّاسُ وَفِيهِ يَعْرِوْنُ» (یوسف/۴۹-۴۷).

ب. سعه صدر:

سعه در لغت به معنی وسعت، گشادگی، طاقت و توانایی آمده است. (مجمع البحرین ج ۴: ۴۰۴).

اصطلاح دیگری که در این مورد به کار برده می‌شود کلمه شرح صدر است که به معنی گشادگی سینه هست. شرح صدر یکی از ارزش‌های انسانی و اسلامی است. شرح صدر نه تنها یکی از ارزش‌های والای اسلامی است که ابزاری است برای مدیریت مدیران و راهی است برای رسیدن به قله‌های موفقیت. حضرت امیرالمؤمنین علی (ع) در مورد سعه صدر می‌فرماید:

أَلَةُ الرِّيَاسَةِ سَعَةُ الصَّدْرِ. سعه صدر ابزار و وسیله ریاست است. (بحارالانوار ج ۸۲: ۳۵۷).

اگر به تاریخ مراجعه داشته باشیم چنین می‌یابیم که شرح صدر پیشه و سیره انبیای الهی و رهبران راستین بوده است. حضرت موسی (ع) از خداوند درخواست شرح صدر می‌نماید قرآن کریم می‌فرماید: «قَالَ رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي وَيَسِّرْ لِي أَمْرِي» موسی (ع) گفت: پروردگارا سینه‌ام را برایم بگشا، و کارم را برایم آسان گردان (طه/۲۶-۲۵). قرآن کریم راجع به پیامبر مکرم اسلام (ص) می‌فرماید: «أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ وَوَضَعْنَا عَنكَ وِزْرَكَ» آیا سینه‌ات را برایت گشاده نساختم، و بار سنگین (مشکلات) تو را از تو فرونهدم. (انشراح/۲-۱) از نظر قرآن کریم شرح صدر مایه هدایت به سوی اسلام و تنگی سینه عامل گمراهی انسان شمرده شده است (انعام/۱۲۵).

در داستان حضرت یوسف (ع) نیز این مسئله به صورت روشن نمایان است و یکی از ویژگی‌های آن حضرت سعه صدر است. سعه صدر یوسف (ع) آن قدر زیاد بود که از بزرگترین خیانت و جنایتی که بر او از جانب برادرانش روا داشته شد گذشت نه تنها گذشت و انتقام نگرفت بلکه آن‌ها را دلداری داد و فرمود: امروز بر شما ملامتی نیست. «قَالَ لَأَتَثْرِبَ عَلَيْكُمْ الْيَوْمَ يَغْفِرُ اللَّهُ لَكُمْ وَهُوَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ» (یوسف/۹۲) برادران یوسف (ع) هم تصمیم بر قتل و کشتن یوسف (ع) گرفتند و او را به داخل چاه انداختند و هم تهمت بزرگ و نامردانه سرقت و دزدی به او زدند «قَالُوا إِن يَسْرِقْ فَقَدْ سَرَقَ أَخٌ لَهُ مِنْ قَبْلُ فَأَسْرَهَا يُوسُفُ فِ نَفْسِهِ وَ لَمْ يُبَدِّهَا لَهُمْ قَالَ

أَنْتُمْ شَرٌّ مَّكَانًا وَاللَّهُ عِلْمٌ بِمَا تَصِفُونَ (یوسف/۷۷) اما زمان که یوسف (ع) را شناختند خجلت زده و سرافکنده شدند اما یوسف با سعه صدر که داشت به آن‌ها دلداری داد. کسی که شرح صدر داشته باشد دیگر برایش فرق نمی‌کند که یک حاکم قدرتمند باشد یا یک زندانی دربند، آنچه برایش مهم است رضایت پروردگار است، هر کجا که رضایت پروردگار باشد سعی و تلاش می‌کند آن را به دست آورد ولو زندان باشد آن را دوست دارد « قَالَ رَبِّ السِّجْنُ أَحَبُّ إِلَيَّ مِمَّا يَدْعُونَنِي إِلَيْهِ » (یوسف/ع) گفت: پروردگارا زندان نزد من محبوب‌تر است از آنچه (زنان) مرا به سوی آن می‌خوانند (یوسف/۳۳). آری کسی که سینه‌اش پر از نور علم و حکمت باشد، کانون صبر و برد باری است، خشمش هم فقط برای آن است که دین خدا احیاء و مردم به سوی خداوند هدایت گردد نه برای مسائل شخصی بلکه مسائل شخصی را قابل گذشت و چشم‌پوشی می‌داند.

بنابراین یکی از ویژگی‌های رهبر و مدیر موفق و تأثیر گزار شرح صدر است، شکیبایی و بردباری از عوامل مؤثر در پیشبرد برنامه‌ها است.

ج. حسن خلق:

حسن خلق یکی دیگر از اصول اخلاقی و صفات برجسته انسانی و اسلامی است. حسن خلق یکی از برنده‌ترین سلاح‌ها برای تسخیر دل‌های دیگران است. پس حسن خلق یکی از ابزارهای لازم و ضروری رهبری و مدیریت یک جامعه و سازمان است. با حسن خلق به راحتی می‌توان بر دل‌های دیگران نفوذ کرد. سیره عملی و رفتاری انبیاء عظام و رهبران راستین الهی بر حسن خلق بوده است. پیامبر اکرم (ص) نمونه برجسته از رهبران الهی است که با داشتن حسن خلق و رفتار کریمانه بر دل‌های انسان‌ها حکومت می‌کرد، نفوذ آن حضرت بر دل‌های مردم به خاطر رفتار پسندیده و اخلاق نیک آن حضرت بود، چنانکه قرآن کریم می‌فرماید: « وَأَتَكَ لَعَلَى خَلْقٍ عَظِيمٍ » و مسلماً تو بر شیوهی (اخلاق) بزرگوارانه‌ای هستی (قلم/۴) و در جای دیگر چنین می‌فرماید: « فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِظَ الْقَلْبُ لَأَنْفَضُوا مِنْ حَوْلِكَ » و به سبب رحمتی از جانب خدا با آنان، نرم‌خو شدی، و اگر (برفرض) تندخویی سخت‌دل بودی، حتماً از پیرامونت پراکنده می‌شدند. (آل عمران/۱۵۹).

می‌بینیم که در این آیه شریفه نرم‌خویی و اخلاق نیک پیامبر یکی از عوامل گرویدن مردم به دین مبین اسلام بیان شده است چنانچه که اگر پیامبر اکرم(ص) غلیظ القلب و تندخو می‌بود مردم از اطرافش پراکنده می‌شدند. پس حسن خلق می‌تواند یکی از عوامل مؤثر نفوذ در دیگران باشد.

با اندک تأملی در داستان حضرت یوسف(ع) می‌توان فهمید که رفتار کریمانه و اخلاق نیک آن حضرت از عوامل مهم و مؤثر نفوذ ایشان بر دیگران بوده است. درواقع یکی از شیوه‌های رهبری و مدیریت یوسف(ع) که سبب جذب و علاقه

۱۶۹|

دیگران نسبت به وی شد حسن خلق آن حضرت بود. از طریق حسن خلق بر اطرافیان و دوستانش نفوذ کرده و دوستانش می‌گفتند ما تو را از نیکان می‌بینیم»

إِنَّا نَرَاكَ مِنَ الْمُحْسِنِينَ» ما تو را از نیکوکاران می‌بینیم(یوسف/۳۶ و ۷۸).

مرحوم علامه طباطبایی می‌فرماید: که برای در این آیه به معنی یقین است(ترجمه المیزان، ج ۱۱ : ۲۳۳).

بنابراین می‌توان گفت که حسن خلق یکی دیگر از شیوه‌های رهبری و مدیریت یوسف(ع) برای هدایت و اداره جامعه بوده است و از همین طریق هم بود که بر انسان‌های که هیچ‌گونه آشنایی و شناخت از آنان نداشت نفوذ کند و دل‌های آنان را به دست آورد و آنان را به‌سوی هدف سازمانی خویش هدایت نماید، حضرت یوسف(ع) کار مدیریت منابع انسانی را از همان زندان آغاز کرد.

بنابراین رفتار و کردار یک مدیر باید به‌گونه‌ای باشد که اعتماد دیگران را به دست آورد به‌طوری‌که دیگران به خود جرئت دهند که با مدیر ارتباط صمیمانه برقرار نموده و مسائل موردنیاز را با وی در میان بگذارند، اگر یک مدیر اخلاق ناپسند و تند داشته باشد دیگران در برقراری ارتباط و اظهارنظر در مورد مسائل پیش‌آمده در سازمان و جامعه با او مشکل خواهند داشت.

د. گذشت:

یکی از ویژگی‌های مهم انسانی مخصوصاً مدیران جامعه مسئله گذشت در عین توانایی بر انتقام است. حضرت یوسف(ع) از این ویژگی در حد اعلی برخوردار بود، برادران یوسف(ع) معامله نادرست و ظالمانه‌ی با او کردند، زمان که یوسف را شناختند شاید انتظار انتقام‌گیری او از برادران حسود و نامهربانشان داشتند اما

یوسف(ع) در اوج قدرت که عزیز مصر شده بود، رفتار کریمانه و نکوکارانه را به نمایش گذاشت. تهمت زدن سرقت و دوز دی را از جانب برادران به خود و بنیامین در دل خود پنهان کرد. چنانچه قرآن کریم این گونه بیان می‌فرماید: «قَالُوا إِن يَسْرِقَ فَقَدْ سَرَقَ أَخٌ لَهُ مِنْ قَبْلُ فَأَسْرَهَا يُوسُفُ فِ نَفْسِهِ وَ لَمْ يُبْدِهَا لَهُمْ قَالَ أَنْتُمْ شَرْمَكُنَّا وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا تَصِفُونَ (یوسف/۷۷).

گذشت از سیره اولیاء الهی است. وقتی برادران یوسف(ع) پشیمان و خجلت‌زده شدند یوسف(ع) فرمود امروز بر شما ملامتی نیست، قرآن می‌فرماید: «قَالَ لَأَتَثْرِبَ عَلَيْكُمُ الْيَوْمَ يَغْفِرُ اللَّهُ لَكُمْ وَ هُوَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ (یوسف/۹۲).

امروز بر شما توبیخ و ملامتی نیست، خداوند شمارا می‌بخشد و او مهربان‌ترین مهربانان است.

آقای سیدی نیز در این زمینه می‌نویسد: یوسف حتی در اوج قدرتش نیکوکار و بزرگوار بود. (زیباترین داستان : ۱۴۶)

آیت‌الله مکارم در این مورد چنین می‌نویسد: برادران یوسف سخت‌ترین ضربه‌ها را به یوسف(ع) زده بودند، و او را تا آستانه مرگ پیش بردند، که اگر لطف خدا شامل حال او نشده بود، رهایی برای او ممکن نبود، نه تنها یوسف(ع) را آزار دادند که پدرش را نیز سخت شکنجه دادند اما اکنون همگی زار و نزار در برابر او قرار گرفته‌اند و تمام قدرت در دست او است، ولی از لابه‌لای کلام یوسف(ع) به خوبی احساس می‌شود که او نه تنها هیچ‌گونه کینه‌ای در دل نگرفته، بلکه این موضوع او را رنج می‌دهد که نکند برادران به یاد گذشته بیفتند و ناراحت شوند و احساس شرمندگی کنند! به همین دلیل نهایت کوشش را به خرج می‌دهد که این احساس را از درون جان آن‌ها بیرون براند و حتی از این بالاتر، می‌خواهد به آن‌ها حالی کند که آمدن شما به مصر از این نظر که وسیله شناسایی بیشتر من در این سرزمین و اینکه از خاندان رسالتم، نه یک غلام کنعانی که به چند درهم فروخته شده باشم برای من مایه فخر و مباهات است او می‌خواهد آن‌ها چنین احساس کنند که نه تنها بدهکار نیستند بلکه چیزی هم طلبکارند! (تفسیر نمونه، ج ۱۰ : ۶۶)

آری سیره انبیای الهی بر عفو و گذشت است چنانچه حضرت رسول اکرم(ص) همیشه باگذشت و مهربان بود و در شرایط مشابه با حضرت یوسف(ع) و در جریان فتح مکه، بر دشمنان قسم خورده خود یعنی سران شرک و بت پرستی، پیروز شد و آن‌ها را عفو کرد درحالی که دشمنان به مکه پناه برده بودند و در انتظار این بودند که پیامبر مکرم اسلام(ص) درباره آنان چه دستوری صادر می‌کند؟

در تفسیر قرطبی در مورد برخورد کریمانه رسول اکرم(ص) با قریشیان در روز فتح مکه چنین آمده است: پیامبر(ص) فرمود: الحمد لله الذی صدق وعده و نصر

عده و هزم الاحزاب وحده(شکر خدای را که وعده‌اش تحقق یافت و بنده‌اش را پیروز کرد و احزاب و گروه‌های دشمن را منهزم ساخت) سپس رو به مردم کرد و فرمود: ماذا تظنون یا معشر القریش قالوا خیراً، اخ کریم، و ابن اخ کریم و قد قدرت! و قال أنا اقول کما قال آخی یوسف لا تثریب علیکم الیوم! (چه گمان می‌برید ای جمعیت قریش که درباره شما فرمان بدهم؟ آن‌ها در جواب گفتند: ما از تو جز خیر و نیکی انتظار نداریم، تو برادر بزرگوار و بخشنده و فرزند برادر بزرگوار ما هستی، و الآن قدرت در دست تو است، پیامبر فرمود: و من درباره شما همان می‌گویم که برادرم یوسف درباره برادرانش به هنگام پیروزی گفت: لا تثریب علیکم الیوم(امروز روزی سرزنش و ملامت و توبیخ نیست! عمرمی گوید در این موقع عرق شرم از صورت من جاری شد، چراکه من به هنگام ورود به مکه به آن‌ها گفتم امروز روزی است که از شما انتقام خواهیم گرفت، هنگامی که پیامبر(ص) این جمله را فرمود من از گفتار خود شرمند شدم.(تفسیر قرطبی، ج ۵: ۳۴۶۷)

این مسئله در روایات اسلامی نیز مورد تأیید و تأکید قرار گرفته است چنانچه امیرالمؤمنین(ع) فرمود: اذا قدرت علی عدوک فاجعل العفو عنه شکراً للقدرة علیه «هنگام که بر دشمنت پیروز شدی، عفو را شکرانه پیروزیات قرار ده.» (نهج البلاغه حکمت ۱۱).

۲- مدیریت اقتصادی یوسف علیه السلام

۱،۲. برنامه ریزی

حضرت یوسف(ع) در شیوه مدیریتی خویش به مسئله برنامه ریزی مالی و تقسیم وظایف در مشاغل سازمانی، توجه جدی به رعایت عدالت اجتماعی، توزیع

عادلانه و صرفه‌جویی در هزینه‌ها برای برون‌رفت از بحران اقتصادی و رسیدن به بالاترین بازدهی داشت. ایشان طرح منحصر به فردی را در جهت ارتقای ساختار اداری و سازمانی ارائه نمود که در آن توجه اساسی به برنامه‌ریزی راهبردی، مالی، دارایی و تولید داشت که برخی از ویژگی‌های آن عبارت‌اند از:

الف) تصمیم‌گیری در شرایط عدم اطمینان:

یکی از وظایف مهم و اساسی مدیران، مدیریت و اداره جامعه و سازمان در شرایط حاد و بحرانی است. برای برون‌رفت از بحران مدیران باید به تجزیه و تحلیل درست مسئله و مشکل بپردازند و نقاط قوت و ضعف وضعیت موجود را بررسی و برای رسیدن به وضعیت مطلوب، برنامه‌ریزی دقیق و به موقع داشته و اقدامات لازم را انجام دهند.

حضرت یوسف (ع) با شناخت درست و درک به موقع مسئله و بررسی نقاط قوت و ضعف وضعیت موجود و ابزار و وسایل در دست رس با توجه به فرصت‌ها و تهدیدات، دستورالعمل کارساز و راه‌گشاه «تَزْرَعُونَ سَبْعَ سِنِينَ...» (یوسف/۴۷). را صادر نمود که برای برون‌رفت از وضعیتی که در انتظار مردم مصر بود بهترین برنامه و مناسب‌ترین راهکار عملی بود.

آن مدیر توانمند با شناسایی دقیق فرصت‌ها و تهدیدات، به مقابله با حوادث طبیعی، قحطی و خشک‌سالی که بحران جدی اقتصادی برای دولتمردان و ملت مصر بود، پرداخت و با برنامه‌ریزی دقیق و سنجیده مالی خویش این بحران را خوب کنترل و مدیریت کرد. مرحوم آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در این زمینه می‌نویسد:

رؤیای پادشاه مصر گویایی برنامه و دستورالعمل برای مصون ماندن از مشکلات و حوادث تلخ و دشوار آینده است. لزوم جدیت و تلاش بسیار برای زراعت در هفت سال نخست، ذخیره‌سازی غله‌ها در خوشه‌های آن، پیامی نهفته در رؤیای پادشاه مصر، لزوم صرفه‌جویی در مصرف محصولات هفت‌ساله و توصیه‌های یوسف (ع) به مردم برای مصون ماندن از مشکلات دوران هفت‌ساله قحطی و خشک‌سالی، بیانگر لزوم اهتمام حاکمان جامعه به برنامه‌ریزی، محاسبه و پیش‌بینی شرایط اقتصادی است (تفسیر راهنما، ۲۳۰: ۲۲۸).

ب) برنامه‌ریزی تولیدی

یکی از الزامات سازمان، برخورداری از برنامه‌ریزی تولیدی است. در این برنامه‌ریزی مدیران از زمان حال شروع و به‌سوی زمان آینده حرکت می‌کنند، به عبارت دیگر، در برنامه‌ریزی تولیدی حرکت رو به برون است و می‌کوشند در شرایط مختلف کشف کنند که کدام حادثه در آینده رخ می‌دهد (اسلام و پژوهش‌های مدیریتی، : ۶۱).

زمان که بحران در پیش است بایستی بر ظرفیت تولید کار افزود و این امر در برنامه‌ریزی حضرت یوسف (ع) به‌وضوح نمایان است زیرا دستور داد که هفت سال پی‌درپی به‌طور مستمر کشت و زرع کنید « تَزْرَعُونَ سَبْعَ سِنِينَ دَأْبًا » (یوسف/۴۷) آن‌هم با جد و تلاش فراوان، این برنامه‌ریزی حضرت یوسف (ع) بیانگر برنامه‌ریزی تولیدی با توجه به ظرفیت و فرصت موجود برای نجات از بحران اقتصادی و رسیدن به موقعیت مطلوب است. این برنامه‌ریزی مالی در زمانی طرح و عملیاتی شد که جوامع آن عصر بدون توجه به فرایند کار فقط مصرف‌کننده بودند در چنین وضعیتی حضرت یوسف (ع) با آینده‌نگری برنامه‌ریزی را طرح و عملیاتی کرد که هم توجه به تولید داشت و هم ذخیره‌سازی و صرفه‌جویی را یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر برای نجات از بحران اقتصادی آتی می‌دانست لذا فرمود: « فَمَا حَصَدْتُمْ فَذَرُوهُ فِي سُنْبُلِهِ إِلَّا قَلِيلًا مِّمَّا تَأْكُلُونَ » (یوسف/۴۸).

ج) کارایی:

در فرایند برنامه‌ریزی مالی، مدیر اثربخش و کارآمد به مسئله صرفه‌جویی و مصرف بهینه منابع و امکانات توجه جدی دارد، زیرا یکی از دغدغه‌های جدی و اساسی مدیران در امر برنامه‌ریزی مالی این است که با کمترین هزینه و در کمترین زمان ممکن بیشترین بازدهی، سودآوری و کارایی را داشته باشند، و از این طریق به دنبال خودکفایی و تأمین نیازهای آینده‌سازمان خود هستند.

در مدیریت حضرت یوسف (ع) این مهم به‌روشنی دیده می‌شود، در آن هفت سال که فرصت بود از تمامی ظرفیت‌های موجود نیروی انسانی و زمین‌های مستعد کشاورزی حداکثر استفاده را کرد و برای مقابله با تهدیدات دستور « فَذَرُوهُ فِي سُنْبُلِهِ إِلَّا قَلِيلًا مِّمَّا تَأْكُلُونَ » (یوسف/۴۸) را صادر نمود و در آن هفت سال

خشک‌سالی و قحطی که زمان تهدیدات بود باصرفه جویی، محصولات را به‌طور عادلانه توزیع کرد و به این نحو جامعه را از بحران نجات داد و حتی دستور داد که برای بذر سال بعد از قحطی هم مقداری باقی بگذارید» *«ثُمَّ يَأْتِي مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ عَامٌ فِيهِ يُغَاثُ النَّاسُ وَفِيهِ يَعْرِوْنَ»* (یوسف/۴۹). آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در این مورد می‌نویسد: باقی گذاشتن مقداری از ذخیره‌های هفت سال و مصرف نکردن همه آن‌ها در دوران قحطی، توصیه یوسف(ع) به عهده‌داران حکومت مصر بود(تفسیر راهنما، جلد ۸ : ۴۳۳).

د) هدف‌گذاری:

تحول و تغییر یکی از پدیده‌های عادی در جامعه است و روند پیوسته طولانی دارد، دگرگونی در همه زمینه‌ها، از گذشته تا حال و آینده امتداد داشته و خواهد داشت.

هدف‌گذاری و آینده‌نگری درواقع پاسخی خردمندانه و حکیمانه به چالش‌های پدید آمده در پی دگرگونی‌هاست. (اسلام و پژوهش‌های مدیریتی، : ۵۹).

امیرالمؤمنین علی (ع) می‌فرماید: داناترین مردم کسی است که بیشتر از همه به آینده‌نگری بپردازد. (غررالحکم، ج ۱ : ۴۱۱)

مدیر متخصص، خلاق و نوآور تأثیر فزاینده‌ای در آینده‌نگری زیرمجموعه خویش دارد و برای استفاده بهینه از فرصت‌ها، توجه به تمامی ظرفیت‌های منابع مالی، نیروی انسانی و ... را یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر می‌داند.

حضرت یوسف (ع) با مدیریت اثربخش خود و با داشتن ویژگی‌ها و شیوه‌های منحصربه‌فرد خویش در حوزه‌های مختلف، توانست بر قلب‌ها نفوذ کند و برنامه ذخیره‌سازی و جیره‌بندی را برای عبور از بحران اقتصادی هفت‌ساله عملیاتی نماید. *«فَدَرَوْهُ فِي سُنْبُلِهِ إِلَّا قَلِيلًا مِّمَّا تَأْكُلُونَ»* (یوسف/۴۸) و از این طریق تأثیر بسیار شگرف در جذب دل‌ها داشت، و درواقع با این برنامه‌ریزی عالی و دقیق، و آینده‌نگری به‌موقع جسم و جان انسان‌ها را متوجه تصمیمات خود ساخت و جامعه را به‌سوی ارزش‌های عالی انسانی و مدیریت رحمانی جهت داد که نتیجه آن نجات مردم مصر از بحران اقتصادی بود.

ه) گزینش بهترین راه کار:

بحران که مردم مصر با آن مواجه بود بحران وحشت ناکی بود که برای مقابله و مدیریت آن باید تدابیر دقیق و برنامه‌های عملی و کاربردی به اجرا درمی‌آمد، طرحی که قابل پیاده کردن و عملی شدن باشد. برای مدیریت بحران قحطی هفت‌ساله و گرسنگی که در انتظار مردم بود، بهترین شیوه عملی برای امنیت غذایی که در آن زمان، سیلو و امکانات نگهداری غله نبود، شیوه نگهداری گندم در خوشه بود لذا حضرت یوسف (ع) دستور داد که باید گندم‌ها در خوشه نگهداری شود. «: قَالَ تَزْرَعُونَ سَبْعَ سِنِينَ دَأْبًا فَمَا حَصَدْتُمْ فَذَرُّوهُ فِي سُنْبُلِهِ إِلَّا قَلِيلًا مِّمَّا تَأْكُلُونَ» (یوسف/۴۷).

و) آینده‌نگری:

یک مدیر برای مقابله با بحران و رفاه مردم باید برنامه‌های سنجیده شده و کنترل دخل و خرج حتی بر اموال خصوصی آنان از طریق برنامه‌ریزی‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت داشته باشد. قرآن چنین می‌فرماید: «ثُمَّ يَأْتِي مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ سَبْعٌ شِدَادٌ يَأْكُلْنَ مَا قَدَّمْتُمْ لَهُنَّ إِلَّا قَلِيلًا مِمَّا تَحْصِدُونَ» (یوسف/۴۸). صرفه‌جویی امروز، خودکفایی فردا، و اسراف امروز نیازمند شدن فردا را به دنبال دارد. آقای سیدی در این زمینه این‌گونه می‌نویسد: آینده‌نگری و برنامه‌ریزی بلندمدت برای مقابله با مشکلات اقتصادی جامعه، لازمه مدیریت کشور و کنترل حکومت بر روند تولید و توزیع در شرایط بحرانی، ضروری است. (زیباترین داستان، ۱۱۵).

۲.۲. سازمان‌دهی: انتخاب کارگزاران شایسته

یکی از اصول مهم در مدیریت انتخاب و گزینش نیروی انسانی شایسته، متخصص و متعهد است. سپردن کار به کاردان و کارشناس خبره تأثر مستقیم بر راندمان مثبت کار دارد، بنابراین یکی از وظایف مهم مدیر انتخاب کارگزاران شایسته است. چنانچه در داستان تعبیر خواب از جانب حضرت یوسف (ع) این امر هویدا بود، یوسف کارشناس خبره بود خواب را درست تعبیر نمود اما دیگران که در این مسئله خبره نبودند گفتند: این یک خواب آشفته و پریشان است «قَالُوا

أَضْعَاثُ أَحْلَامٍ وَ مَا نَحْنُ بِتَأْوِيلِ الْأَحْلَامِ بِعَلَمِينَ» (اشراف) گفتند [این‌ها] یک دسته خواب‌های پریشان است، و ما از تعبیر (این‌گونه) خواب‌ها آگاه نیستیم (یوسف/۴۴). حضرت یوسف (ع) نامزدی خود را برای پذیرش مسئولیت خزانه‌داری مصر بدون دلیل و داشتن تخصص و تعهد مطرح نکرد، گفت: مرا در رأس خزانه‌داری این سرزمین قرار ده چراکه من هم حافظ و نگهدار خوبی هستم و هم به اسرار این کار واقفم. «قَالَ اجْعَلْنِي عَلَى خَزَائِنِ الْأَرْضِ إِنِّي حَفِيظٌ عَلِيمٌ» (یوسف/۵۵)

آری یوسف (ع) دارای دو ویژگی بسیار مهم و حیاتی مسئولان بود.

۱- (حفیظ) حفاظت و نگهداری خزانه‌ها و انبارها برای جلوگیری از ریخت‌وپاش‌های اقتصادی، آن‌هم در روزگار خشک‌سالی که زندگی مردم را تهدید می‌کند، امر حیاتی و مهم است.

۲- (علیم) علم و دانایی در زمینه‌ی که مسئولیتی را عهده‌دار می‌شود و به تعبیر امروزی تخصص و خبرگی در کار یکی از امور لازم برای مدیران و کارگزاران است.

آقای بهرام پور ذیل این آیه شریفه چنین سؤالی را مطرح می‌کند که تخصص لازم است یا تعهد؟ در جواب می‌نویسد:

هم تخصص و هم تعهد زیرا نه تخصص تنها کافی است، که حکومت‌های فعلی دنیا دارای متخصصان زده هستند غالباً در حین کار و یا بعد از برکناری از کار برای پاس‌خگویی به جنایات خود پای محاکمه فراخوانده می‌شوند. و نه تعهد و تدین تنها در اداره امور سیاسی و اجتماعی جامعه کارساز است. آن حضرت (یوسف علیه‌السلام) می‌دانست که اگر اقتصاد جامعه در دست افراد ناسالم قرار گیرد، انواع حیف‌ومیل‌ها و تبعیض‌ها در میان خواهد بود. و اگر در اختیار کاردان آمین باشد، حق مردم به‌ویژه تهی‌دستان به آنان خواهد رسید، و نبض قدرت و رمز مدیریت صحیح جامعه و اجرای عدالت، به داشتن پشتوانه اقتصادی کشور بستگی دارد (نسیم حیات، ج ۱۳: ۲۱).

البته روشن است که تعهد تنها هم کافی نیست چراکه کارها باید به افراد کار بلد، خبره، متخصص و متعهد سپرده شود، و حضرت یوسف (ع) هم متخصص و علیم بود و هم متعهد و متدین لذا در کنترل بحران قحطی موفق و پیروز شد.

مرحوم علامه طباطبایی در مورد علت درخواست تصدی خزانه‌داری از جانب یوسف(ع) می‌فرماید: او خود درخواست خویش را چنین تعلیل کرد که من حفیظ و علیم هستم، چه این دو صفت از صفاتی است که متصدی آن مقامی که وی درخواستش را کرده بود لازم دارد، و بدون آن دو نمی‌تواند چنان مقامی را تصدی کند(ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۱ : ۳۱۵).

۳.۲. نظارت و کنترل

نظارت و کنترل بر اعمال و رفتار کارگزاران، یکی از مسائل مهم و سرنوشت‌ساز سازمان و نظام اداری است، که بدون آن نائل شدن به اهداف بسی سخت و دشوار و در برخی موارد غیرممکن است. البته که نظارت و کنترل به معنی بی‌اعتمادی و ایجاد فضای عدم اطمینان در میان زیردستان نیست، بلکه به این معنی است که نوع آدمی همیشه نیازمند مراقبت و نظارت است، و باید کارمندان چنین احساس کنند که علاوه بر ناظر درونی، ناظر بیرونی نیز آنان را تحت نظر دارد و در قبال کارهای که انجام می‌دهند باید پاسخ‌گو باشند، با این بینش سعی و تلاش می‌کنند که از کم‌کاری و بی‌حوصلگی پرهیز نمایند، و از آنجاکه نفس اماره انسان را به سوی بدی پیرایند خواند. چنانچه قرآن کریم می‌فرماید: «وَمَا أْبْرِيْ نَفْسِيْ اِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوْءِ اَلَا مَرَحِمٌ رَبِّيْ اِنَّ رَبِّيْ غَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ» من هرگز خودم را تبرئه نمی‌کنم، قطعاً نفس (سرکش) بسیار به بدی‌ها امر می‌کند، مگر آنچه را پروردگارم رحم کند. پروردگارم آمرزنده و مهربان است(یوسف/۵۳). انسان نیاز به کنترل و نظارت دارد. با توجه به نقش حیاتی نظارت و کنترل در پیش برد اهداف سازمانی لازم است که شیوه‌های کنترل و نظارت حضرت یوسف(ع) مورد بحث قرار گیرد تا دانسته شود که ایشان به‌عنوان یک مدیر و رهبر برگزیده الهی از چه شیوه‌های برای نظارت و کنترل استفاده نموده است که توانست بحران سهمگین اقتصادی مصر را مدیریت کند و مردم مصر و حتی همسایگانش را از خطر قحطی و گرسنگی نجات دهد و از طرفی به هدف اصلی خود که نفی شرک و بت‌پرستی و ترویج توحید و یکتاپرستی بود نائل گردد.

الف- نظارت مستقیم:

یکی از روش‌های نظارت و کنترل نظارت مستقیم و بلا واسطه است. در این شیوه کارمند بدون هیچ واسطه‌ای تحت نظارت مستقیم مدیر سازمان قرار می‌گیرد. حضرت یوسف(ع)، در مدیریت خود از این شیوه استفاده نموده است.

هنگامی که حضرت یوسف(ع) خواب پادشاه را تعبیر عالمانه و حکیمانه نمود پادشاه از او تقاضا نمود که در نزد ما باش و یکی از مناصب حکومتی را قبول کن، حضرت یوسف(ع) از میان تمام مناصب حکومتی منصب خزانه‌داری را قبول کرد بلکه تقاضا نمود. (« قَالَ اجْعَلْنِي عَلَى خَزَائِنِ الْأَرْضِ إِنِّي حَفِيظٌ عَلِيمٌ » یوسف/۵۵). آقای صفری در این مورد می‌نویسد:

چرا حضرت یوسف(ع) این منصب را تقاضا نمود؟ زیرا می‌دانست که بسیاری از نابسامانی‌ها و گرفتاری‌های فردی و اجتماعی آن جامعه مملو از ظلم و ستم ریشه در اقتصاد و دارایی‌های آن دارد و هرگاه بر دارایی‌ها نظارت و کنترل داشته باشد و بازرسانی را برای این کار بگمارد، قسمت عمده نابسامانی‌های آن کشور پهناور سامان خواهد یافت. و ارزاق را آن‌طور که شایسته و بایسته است جمع‌آوری نموده برای سال‌های قحطی و گرسنگی ذخیره نماید و خود با دست‌ان خود و مستقیماً آن را در میان مردم توزیع و تقسیم کند و سهم هر کس را به‌اندازه استحقاقش بدهد و جلو حیف‌ومیل را بگیرد. (شیوه‌های مدیریت یوسف(ع) در قرآن کریم،: ۱۸۹)

مرحوم علامه طباطبایی ذیل آیه شریفه ۵۵ سوره یوسف(ع) می‌فرماید: و اگر این درخواست را کرد به این منظور بود که امور مالی کشور و ارزاق را به مباشرت خود اداره کند، و ارزاق را جمع‌آوری نموده برای سال‌های بعد که لاجرم سال‌های قحطی خواهد بود و مردم دچار گرانی و گرسنگی خواهند شد ذخیره نماید، و خودش با دست خود خویش آن ذخیره‌ها را در میان مردم تقسیم کند، و به هر یک آن مقداری را که استحقاق دارد بدهد، و از حیف‌ومیل جلوگیری نماید. (ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۱: ۳۱۵)

از مباحث فوق استفاده می‌شود که حضرت یوسف(ع) در نحوه کشت، برداشت، ذخیره‌سازی غلات و آذوقه‌ها و چگونگی تقسیم و توزیع آن‌ها از روش کنترل و

نظارت مستقیم استفاده می‌کرده است، ایشان در اجرای برنامه‌های که داشته برای جلوگیری و کنترل بحران قحطی و خشک‌سالی خود را ملزم می‌دانست که بر تمام برنامه‌های که داشته کنترل و نظارت داشته باشد تا بتواند در مواقع خطر انحرافی جلو آن را بگیرد و کارها را به سمت و جهت هدف خودش هدایت و رهبری نماید.

ب- نظارت غیرمستقیم:

شیوه دیگری که حضرت یوسف(ع) از آن استفاده نموده است شیوه نظارت غیرمستقیم است.

۱۷۹|

در این شیوه کارمند با واسطه تحت نظارت و کنترل مدیر سازمان است. در این شیوه مدیر سازمان، افرادی را که مورد اطمینان و اعتمادش هستند گزینش نموده مسئولیت خطیر نظارت را به عهده آنان می‌گذارد، تا کارها را به او گزارش دهند. (مدیریت در اسلام، : ۲۸۶).

یکی از آیاتی که نسبت به کنترل و نظارت غیرمستقیم حضرت یوسف(ع) اشاره دارد آیه هفتادوسه سوره مبارکه یوسف(ع) است که می‌فرماید:

«قَالُوا تَاللَّهِ لَقَدْ عَلِمْتُمْ مَا جِئْنَا لِنَفْسِدَ فِي الْأَرْضِ وَمَا كُنَّا سَارِقِينَ» (یوسف/۷۳).

هنگامی که برادران یوسف(ع) به جرم سرقت جام پادشاه دستگیر شدند، در دفاع از خویش گفتند: به خدا سوگند، یقیناً می‌دانید که ما نیامده‌ایم تا در این سرزمین فساد کنیم و ما دزد نبوده‌ایم.

در مورد اینکه حضرت یوسف از کجا می‌دانسته است که برادرانش برای سرقت و فساد نیامده بوده‌اند، بلکه صرفاً برای دریافت غله و آذوقه آمده بودند، آقای رسولی محلاتی چنین می‌نویسد:

یوسف صدیق برای آنکه امر خرید و فروش غله تحت حساب و نظم روشن و دقیق قرار گیرد تا تاجران سودجو از موقعیت سوءاستفاده نکنند و یا مأموران در طرز تقسیم و فروش عادلانه رفتار کنند، دستور داده بود برنامه دقیقی در خرید و فروش غله انجام گیرد و نام تمام خریداران و دریافت‌کنندگان غله روزانه، در دفتر ثبت و ضبط گردد و در پایان هرروز آن دفتر را به نظر وی برسانند، به‌خصوص درباره کسانی که از خارج مصر می‌آمدند، کنترل و نظارت دقیق بیشتر می‌شد، تا مبادا تاجران و سرمایه‌داران شهرها و کشورهای هم‌جوار بخواهند از روی

دشمنی و عداوت یا برای سود و تجارت غله‌های مصر را به شهر و کشورهای دیگر منتقل کنند، از این رو دستور داده بود که از کسانی که از خارج مصر می‌آیند تحقیقی بیش‌تری شود. (قصص قرآن یا تاریخ انبیاء: ۳۳۵).

مرحوم آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در این مورد می‌نویسد: دستگاه حکومتی یوسف (ع) درباره کاروان‌های که به مصر وارد می‌شدند، تفحص می‌کرد تا به، فسادگر و سارق نبودن ایشان اطمینان پیدا کند (تفسیر راهنما، ج ۸: ۵۰۳).

حضرت یوسف (ع) چه در بخش جمع‌آوری و ذخیره‌سازی غلات و چه در بخش تقسیم و توزیع آن از شیوه کنترل و نظارت غیرمستقیم استفاده کرده است چراکه نظارت و کنترل مستقیم بر تمام بخش‌ها و برنامه‌های اداری کشور برای یک مدیر هرچند پرتلاش و کوشا هم باشد ممکن نیست، پس ناچار است که در برخی بلکه در بیشتر موارد از روش کنترل غیرمستقیم استفاده نماید.

طبقه‌بندی داده‌ها

داده‌ها و کدبندی‌های فوق در قالب جدول زیر تلخیص و طبقه‌بندی شده است.

مراحل ابعاد	کدگذاری انتخابی	کدگذاری محوری	کدگذاری باز	داده‌ها
مدیریت فرهنگی - تربیتی	۱. کدگذاری خدا محوری	الف. بینش توحیدی	یا صاحبی السجن أرباب متفرقون خیر أم الله الواحد القهار (یوسف/۳۹).	
	۲. هدایت و رهبری	الف. راهنمایی	قَالَ تَزْرَعُونَ سَبْعَ سِنِينَ دَأْبًا فَمَا حَصَدْتُمْ فَذَرُوهُ فِي سُنْبُلِهِ إِلَّا قَلِيلًا مِّمَّا تَأْكُلُونَ ثُمَّ يَأْتِي مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ سَبْعٌ شِدَادٌ يَأْكُلْنَ مَا قَدَّمْتُمْ لَهُنَّ إِلَّا قَلِيلًا مِمَّا تَحْصِدُونَ ثُمَّ يَأْتِي مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ عَامٌ فِيهِ يُغَاثُ النَّاسُ وَ فِيهِ يَعْصِرُونَ (یوسف/۴۹-۴۷).	
		ب. سعه صدر	قَالَ لَا تَتْرِبَ عَلَيْكُمُ الْيَوْمَ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ وَ هُوَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ (یوسف/۹۲).	

<p>قَالُوا إِنْ يَسْرِقَ فَقَدْ سَرَقَ أَخٌ لَهُ مِنْ قَبْلُ فَأَسْرَهَا يُوسُفُ فِي نَفْسِهِ وَلَمْ يُبْدِهَا لَهُمْ قَالَ أَنْتُمْ شَرُّمَكَانًا وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا تَصِفُونَ (يوسف/۷۷)</p> <p>قَالَ رَبِّالْسِّجْنِ أَحَبُّ إِلَيَّ مِمَّا يَدْعُونَنِي إِلَيْهِ» (يوسف/۳۳).</p>			
<p>إِنَّا تَرَاكَ مِنَ الْمُحْسِنِينَ» ما تو را از نیکوکاران می بینیم (یوسف/۳۶ و ۷۸).</p>	ج. حسن خلق		
<p>قَالُوا إِنْ يَسْرِقَ فَقَدْ سَرَقَ أَخٌ لَهُ مِنْ قَبْلُ فَأَسْرَهَا يُوسُفُ فِي نَفْسِهِ وَلَمْ يُبْدِهَا لَهُمْ قَالَ أَنْتُمْ شَرُّمَكَانًا وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا تَصِفُونَ (يوسف/۷۷).</p> <p>قَالَ لَأَثْرِبَ عَلَيْكُمْ الْيَوْمَ يَغْفِرُ اللَّهُ لَكُمْ وَهُوَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ (يوسف/۹۲).</p>	د. گذشت		
<p>تَزْرَعُونَ سَبْعَ سِنِينَ... (يوسف/۴۹-۴۷).</p>	الف) تصمیم‌گیری در شرایط عدم اطمینان	۱. برنامه‌ریزی	مدیریت اقتصادی
<p>تَزْرَعُونَ سَبْعَ سِنِينَ دَابًّا (يوسف/۴۷)</p> <p>فَمَا حَصَدْتُمْ فَذَرَوْهُ فِي سُنْبُلِهِ إِلَّا قَلِيلًا مِمَّا تَأْكُلُونَ» (يوسف/۴۸).</p>	ب) برنامه‌ریزی تولیدی		
<p>فَذَرَوْهُ فِي سُنْبُلِهِ إِلَّا قَلِيلًا مِمَّا تَأْكُلُونَ» (يوسف/۴۸).</p> <p>ثُمَّ يَأْتِي مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ عَامٌ فِيهِ يُغَاثُ النَّاسُ وَفِيهِ يَعَصِرُونَ» (يوسف/۴۹).</p>	ج) کارایی		

فَذَرُوهُ فِي سُنْبُلِهِ إِلَّا قَلِيلًا مِّمَّا تَأْكُلُونَ (یوسف/۴۸).	(د) هدف گذاری		
قَالَ تَزْرَعُونَ سَبْعَ سِنِينَ دَأْبًا فَمَا حَصَدْتُمْ فَذَرُوهُ فِي سُنْبُلِهِ إِلَّا قَلِيلًا مِّمَّا تَأْكُلُونَ (یوسف/۴۷).	(ه) گزینش بهترین راه کار		
ثُمَّ يَأْتِي مِنَ بَعْدِ ذَلِكَ سَبْعُ شِدَادٍ يَأْكُلْنَ مَا قَدَّمْتُمْ لَهُنَّ إِلَّا قَلِيلًا مِّمَّا تَحْصِدُونَ (یوسف/۴۸).	(و) آینده نگری		
قَالَ اجْعَلْنِي عَلَىٰ خَزَائِنِ الْأَرْضِ إِنِّي حَفِيظٌ عَلِيمٌ» (یوسف/۵۵).	انتخاب کارگزاران شایسته	۲. سازمان دهی	
قَالَ اجْعَلْنِي عَلَىٰ خَزَائِنِ الْأَرْضِ إِنِّي حَفِيظٌ عَلِيمٌ» (یوسف/۵۵).	الف نظارت مستقیم	۳. نظارت و کنترل	
قَالُوا تَاللَّهِ لَقَدْ عَلِمْتُمْ مَا جِئْنَا لِنُفْسِدَ فِي قَالُوا تَاللَّهِ لَقَدْ عَلِمْتُمْ مَا جِئْنَا لِنُفْسِدَ فِي الْأَرْضِ وَمَا كُنَّا سَارِقِينَ» (یوسف/۷۳).	ب نظارت غیرمستقیم		

پاسخ سؤالات تحقیق

با توجه به جدول جواب سؤالات فرعی روشن گردید که:

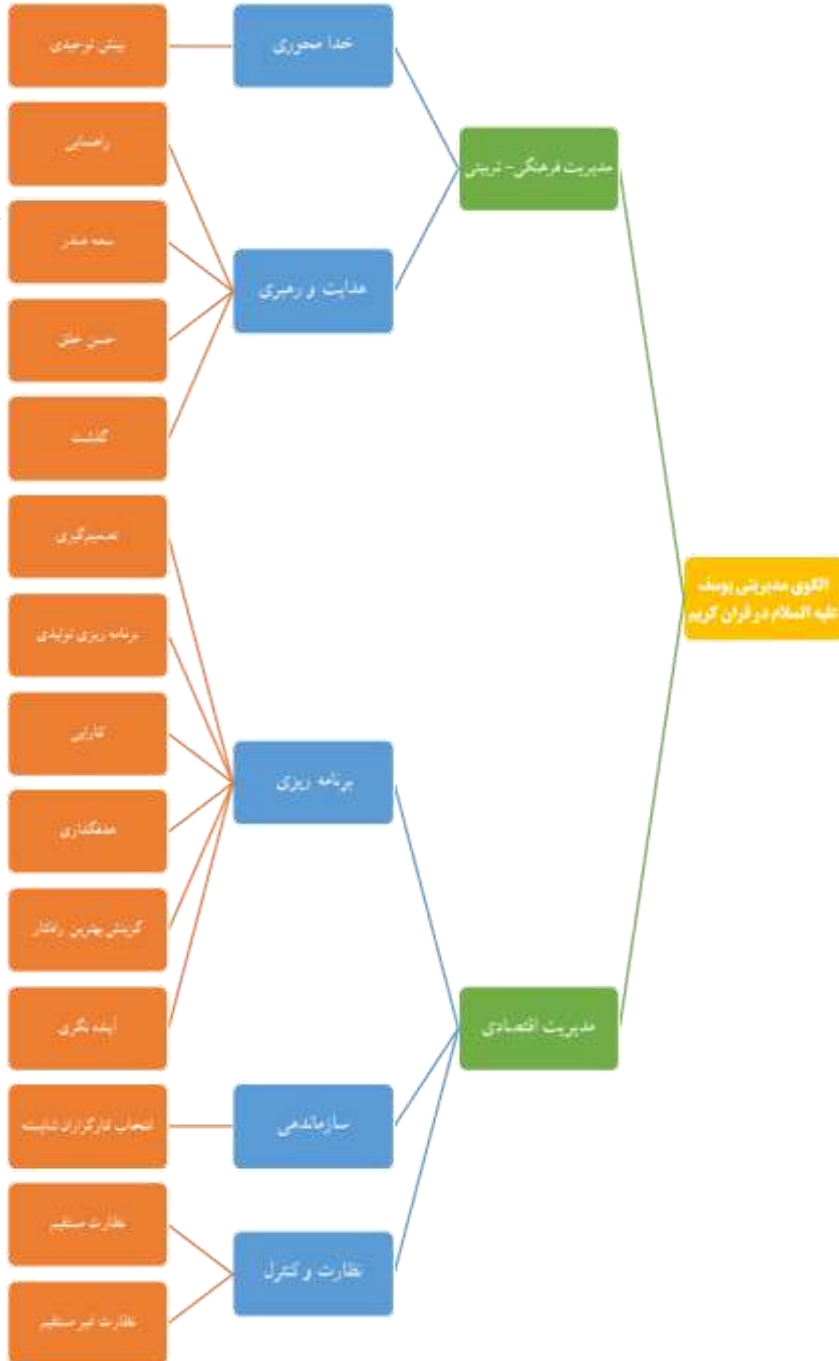
مدیریت فرهنگی - تربیتی حضرت یوسف(ع) فرهنگ سازی و تربیت کارگزارانش و مردم بر اساس بینش خدامحوری، اخلاق مداری، سعه صدر، گذشت و مدارا بوده است.

مدیریت اقتصادی حضرت یوسف(ع) از طریق برنامه ریزی دقیق، سازمان دهی و کنترل مستقیم و غیرمستقیم بوده است.

با توجه به جواب سؤالات فرعی نتیجه می گیریم که جواب سوا اصلی تحقیق این می شود که شیوه مدیریت حضرت یوسف(ع) در قران دارای ابعادی است که دو بعد فرهنگی - تربیتی و اقتصادی آن در نمودار زیر ارائه گردیده است.

نتیجه‌گیری و ارائه مدل

با توجه با طبقه‌بندی و تحلیل داده‌ها، الگوی زیر به‌عنوان نتیجه این پژوهش استخراج می‌گردد.



فهرست منابع

قرآن کریم، ترجمه: رضایی اصفهانی، محمدعلی.

نهج البلاغه، ترجمه: دشتی، محمد.

۱. آقاصفری، علی (۱۳۸۲)، شیوه‌های مدیریت یوسف در قرآن کریم، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، قم، جامعه المصطفی (ص) العالمیه مجتمع آموزش عالی امام خمینی (ره)، مدرسه عالی قران و حدیث.
۲. آمدی، عبدالواحد (۱۳۷۹)، غررالحکم فی درر الکلم، مترجم: سیدهاشم رسولی محلاتی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چ، سوم.
۳. بهرام‌پور، ابوالفضل (۱۳۹۱)، نسیم حیات، قم: آوای قران، چاپ هفتم.
۴. پیروز، علی آقا و دیگران (۱۳۸۴)، زیر نظر: دکتر مهدی الوانی، مدیریت در اسلام، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۵. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۰)، تفسیر موضوعی قران کریم، قم: مرکز نشر اسراء، چ، دهم.
۶. رسولی محلاتی، سیدهاشم (۱۳۸۱)، قصص قران یا تاریخ انبیاء، قم: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ پانزدهم.
۷. سیدی‌ساروی، حسین (۱۳۸۶)، زیباترین داستان، تهران: کانون اندیشه جوان.
۸. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۵ق)، المیزان فی تفسیرالقران، بیروت: مؤسسه الاعلمی.
۹. طریحی، فخرالدین (۱۳۷۵ق)، مجمع البحرين، تهران: کتاب‌فروشی رضوی.
۱۰. قرائتی، محسن (۱۳۸۴)، تفسیر نور، تهران: مرکز فرهنگی درس‌های از قران، چ، سیزدهم.
۱۱. قرطبی، محمدبن‌احمد (۱۳۸۲)، الجامع لاحکام القرآن (تفسیرالقرطبی)، بیروت: دارالکتاب العربی.
۱۲. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق)، بحارالانوار، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ دوم.
۱۳. مکارم‌شیرازی، ناصر (۱۳۶۸)، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ هفتم.
۱۴. منطقی، محسن (۱۳۹۰)، اسلام و پژوهش‌های مدیریت، فصل‌نامه علمی تخصصی، شماره اول.
۱۵. موسوی‌همدانی، سیدمحمدباقر (۱۳۶۴)، ترجمه المیزان، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۶. هاشمی‌رفسنجانی، اکبر و جمعی از محققان (۱۳۸۷)، تفسیر راهنما، قم: مرکز فرهنگ و معارف قران.